Original Article

Psychological Achievements (*Psychol. Achiev.*)

Spring & Summer, 2026, *33*(1), Serial Number 35, 35-48.
DOI: 10.22055/psy.2024.45630.3187

Online ISSN: 2588-6649
https://psychac.scu.ac.ir/

Adapting the Guilt about Parenting Scale (GAPS) to Iranian Culture (Validity and Reliability Study)

Reyhaneh Rokni[1], Azadeh Taheri[2]

1. undergraduate student, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.
2. Assistant professor, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.

Article Info

Received: 08 MaY 2025
Revised: 08 Aug 2025
Accepted: 21 Aug 2025
Published: 21 Apr 2026

Corresponding Author:
Azadeh Taheri

Email:
sa.taheri@alzahra.ac.ir

Keywords:
Guilt about parenting, guilt scale, parental guilt, guilt

Abstract

Parental guilt represents a distressing moral emotion arising from the perception that one's behavior or choices have negatively impacted their child's development or well-being. In the contemporary socio-cultural landscape of Iran, working mothers are increasingly navigating the complexities of the intensive mothering ideology. This imposes idealized, self-sacrificing standards while they concurrently fulfill modern professional demands. This structural and emotional tension, often referred to as "double pressure," often manifests as significant parental guilt, highlighting a critical need for localized assessment tools. Thus, this study was undertaken to adapt and rigorously ascertain the psychometric properties of the Persian version of the Guilt about Parenting Scale (GAPS) specifically for Iranian working mothers. Utilizing a descriptive-correlational design, 218 working mothers in Tehran with children aged 2 to 12 years were selected through convenience sampling, all fulfilling the criterion of working at least 20 hours per week. The validation process involved a standard forward-backward translation protocol, followed by the appraisal of face and content validity by a panel of ten experts, yielding satisfactory Content Validity Index (CVI) and Content Validity Ratio (CVR) values. To explore construct validity, Confirmatory Factor Analysis (CFA) was performed using AMOS-24, which confirmed a robust single-factor structure with factor loadings ranging within 0.56-0.81, all significant at the 0.001 level. The structural model fit indices were within highly acceptable ranges: CMIN/DF = 2.37, RMSEA = 0.073, GFI = 0.93, CFI = 0.95, and IFI = 0.95. Internal consistency was exceptionally strong, evidenced by a Cronbach's alpha of 0.90 and a Composite Reliability (CR) of 0.80, with an Average Variance Extracted (AVE) of 0.50. Concurrent validity was established through a significant positive correlation with work-family conflict (r = 0.68) and a significant negative correlation with mindful parenting (r = -0.31). These findings collectively suggest that the Persian GAPS is a reliable and valid instrument within the Iranian context. Through providing a precise metric, this tool enables clinicians to identify mothers at risk of burnout and design interventions that promote a sustainable balance between professional and family life.

How to Cite: Rokni, R., & Taheri, A. (2026). Adapting the Guilt about Parenting Scale (GAPS) to Iranian Culture (Validity and Reliability Study), *Psychological Achievements, 33*(1), 35-48. https://doi.org/10.22055/psy.2024.45630.3187 [Persian]

Authors retain the copyright and full publishing rights. Published by Shahid Chamran University of Ahvaz. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

دست آوردهای روان‌شناختی

مقاله پژوهشی

بهار و تابستان ۱۴۰۵، دوره چهارم، سال ۳۳، شماره ۱، ص‌ص: ۴۸-۳۵.
شاپا آنلاین: ۶۶۴۹-۲۵۸۸
DOI: 10.22055/psy.2024.45630.3187
https://psychac.scu.ac.ir/

اعتباریابی پرسشنامه احساس گناه والدینی (GAPS) در مادران شاغل ایرانی

ریحانه رکنی [۱]، آزاده طاهری [۲]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.
۲. استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱

نویسنده مسئول:
آزاده طاهری

ایمیل:
a.taheri@alzahra.ac.ir

کلید واژگان:
احساس گناه والدینی، اعتباریابی، روان‌سنجی، مادران شاغل

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس احساس گناه والدینی بود. شرکت کنندگان این پژوهش، ۲۱۸ نفر از مادران شاغل شهر تهران که فرزند ۲ تا ۱۲ سال دارند، بودند که بر اساس نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. مادران در این پژوهش به پرسشنامه احساس‌گناه والدینی (Haslam et al.)، پرسشنامه‌ی تعارض کار_خانواده (Carlson et al.) و پرسشنامه فرزندپروری ذهن‌آگاهانه (Mccaffrey et al.) پاسخ دادند .جهت بررسی ساختار عاملی پرسشنامه از شاخص قابلیت اعتماد سازه، شاخص روایی محتوا، نسبت روایی محتوا و تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج تحلیل عامل تأییدی نشان داد که بار عاملی گویه‌ها بیشتر از ۰/۵۶ است و همه‌ی مسیرها از گویه‌ها به متغیر مکنون در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار بودند و مقیاس از روایی سازه‌ی مناسبی برخوردار بود. شاخص‌های برازش مدل در محدوده‌ی قابل قبولی قرار داشتند. آلفای کرونباخ مقیاس ۰/۹ به دست آمد و مقدار CR برابر با ۰/۸ بود که نشان‌دهنده پایایی و قابل اعتماد بودن سازه است. نتایج نشان می‌دهد که نسخه فارسی مقیاس احساس گناه والدینی یک مقیاس معتبر و قابل اعتماد است.

استناد به این مقاله: رکنی، ر.، و طاهری، آ. (۱۴۰۵). اعتباریابی پرسشنامه احساس گناه والدینی (GAPS) در مادران شاغل ایرانی، دست آوردهای روان‌شناختی، (۱)۳۳، ص‌ص: ۴۸-۳۵. https://doi.org/10.22055/psy.2024.45630.3187

Authors retain the copyright and full publishing rights. Published by Shahid Chamran University of Ahvaz. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

مقدمه

احساس گناه یک هیجان اخلاقی دردناک و طاقت فرساست که فرد هنگامی که رفتار اشتباهی دارد، تجربه می‌کند و آرزو می‌کند که کاش رفتار متفاوتی داشتم. این احساس در مواجهه با موقعیت‌ها و تنگناهای اخلاقی برانگیخته می‌شود و نوعی ارزیابی از خود را به همراه دارد، که در نتیجه این قضاوت، فرد مسئولیت رفتار یا عملش را که تأثیر نامطلوبی بر دیگری داشته است، پذیرفته و تلاش می‌کند تا رفتارش را تغییر دهد (Yu, 2020; vaish & Grossmann, 2022). بسیاری از نظریه‌های مرتبط با احساس گناه، آن را نتیجه تخطی واقعی یا تصور تخطی از معیارهای اخلاقی می‌دانند (Greenbaum et al., 2020). Lewis (1971) احساس گناه را ناشی از ارزیابی منفی از رفتار بدی که انجام شده یا رفتار خوبی که انجام نشده می‌داند. این احساس به عبارتی شامل تمرکز بر یک رفتار خاص است که به طور منفی ارزیابی شده‌است و احساس پشیمانی و تنش ناشی از آن اغلب موجب انگیزه برای جبران و ترمیم آسیب‌های وارده می‌شود.

در سال‌های اخیر، مطالعه در رابطه با احساس گناه بطور تصاعدی افزایش پیدا کرده است (Hoppen et al., 2022) و تحقیقات، رابطه آن را با برخی آسیب‌های روانی نشان می‌دهند، برای مثال: رابطه احساس گناه با خودکشی و آسیب رسانی به خود (Sheehy, 2019)، نقش احساس گناه در اختلال اضطراب اجتماعی (Schuster et al., 2021)، همین طور نقش احساس گناه مادری در کنترل‌گری بر روی فرزندان (Slobodin, 2020)، تأثیر احساس گناه مادری بر افسردگی مادران (Derella & Milan, 2021)، نقش احساس گناه بر احساس ناکارآمدی در مادران شاغل (Öke Karakaya et al., 2021).

یکی از انواع احساس گناه‌های شناخته شده، احساس گناه والدینی است. با وجود اینکه مادران و پدران هر دو احساس گناه والدینی را تجربه می‌کنند، اما به این دلیل که معیارهای فرزندپروری خوب برای مادران سخت‌گیرانه‌تر از پدران تعریف شده است، احساس گناه در مادران شایع‌تر است. بنابراین اغلب پژوهش‌ها، احساس گناه در مادران را بررسی می‌کنند (Borelli et al., 2017; Rúdólfsdóttir et al,2024). احساس گناه مادری مربوط به ادراک مادران در این باره است که به فرزندان خود آسیبی وارد کرده‌اند یا ممکن است آسیبی وارد کنند. در واقع اغلب زنان انگیزه دارند تا بهترین مادری باشند که می‌توانند باشند. با این حال، به دلیل این که رسیدن به استانداردهایی که خودشان را بر اساس آنها قضاوت می‌کنند غیرممکن است، خواسته‌های آنها هرگز نمی‌تواند به طور کامل محقق شود. همین موضوع ناگزیر منجر به احساس گناه در مادران می‌شود (Constantinou et al., 2021). احساس گناه مادری یک تجربه مکرر برای مادران است که به دلیل تخطی یا تصور تخطی از هنجارهای اجتماعی که برای یک مادر خوب تعریف شده است، در مادران بوجود می‌آید (Hillier, 2020). نگرش مادران درباره نقش و وظایف مادری و چگونگی رفتار با فرزند در ادراک این احساس بسیار مؤثر است (Constantinou et al., 2021). احساس گناه مادری همچنین مرتبط با احساس مسئولیت قوی برای روابط نزدیک، بویژه رابطه مادر فرزندی است. یکی از شایع‌ترین دلایل احساس گناه مادری، انتظارات سنتی جامعه از مادر بعنوان یک اسطوره است. علیرغم اینکه احساس گناه مادری در بافت‌های اجتماعی و فرهنگی مختلف می‌تواند متفاوت ادراک شود، اما همچنان ویژگی‌های جهانی دارد و یک پدیده تقریباً اجتناب‌ناپذیر جهانی محسوب می‌شود (Collins, 2021).

در دهه‌های اخیر، نگرش به نقش گسترده مادری و انتظارات مربوط به آن در کنار مسئولیت‌های شغلی، فشار مضاعفی را به مادران تحمیل کرده است که می‌تواند منجر به احساس گناه دوچندان در مادران شود. این موضوع به این خاطر است که علی‌رغم افزایش درصد مادران شاغل، ساختارهای فرهنگی و اجتماعی خانواده و محل کار متناسب با افزایش مادران

شاغل تغییر نکرده است (Ebrahimi, 2025) و این در حالی است که احساس گناه در مادران، منجر به احساسات منفی ناکارآمدی و ناامیدی و همچنین تاثیرات منفی بر کارکرد شغلی در آن‌ها شود (Öke Karakaya et al., 2021). در سال‌های اخیر در ایران روند افزایش تحصیلات و اشتغال زنان، نقش‌های متفاوتی را برای زنان ایجاد کرده است به گونه‌ای که مادری دیگر به‌عنوان تنها نقش اصلی همه زنان شناخته نمی‌شود. این موضوع باعث شده است زنان بطور همزمان سه نقش مادری، همسری و شغلی را برعهده داشته باشند و انتظارات هر سه نقش را برآورده کنند، لذا این احتمال وجود دارد که آن‌ها با اصل قرار دادن انتظارات یک نقش، به انتظارات نقش‌های دیگر، کمتر توجه کنند(Sadeghi & Shahabi, 2019). علیرغم اینکه اغلب زنان ایرانی، مادری را مهم‌ترین نقش خود می‌دانند، تغییر معنا و مفهوم مادر ایده‌آل که با مشارکت مادران در بازار کار، پیوند خورده است، باعث شده است که مادر شاغل، مادر ایده‌آل باشد و علاوه بر رشد استعدادهای شخصی و اجتماعی خویش، به تامین معاش خانواده کمک کند (Mohammadi et al., 2022)

در جامعه ایرانی به دلیل انتظارات از نقش مادری و تقسیم مسئولیت ها در خانواده مسئولیت اصلی خانه داری و رسیدگی به فرزندان بر عهده زنان است و چون زنان خود را ملزم به ایفای تؤامان نقش‌های خانوادگی و شغلی خود به بهترین وجه ممکن می‌دانند، اغلب زنان شاغل به زمان و انرژی بیشتری برای رسیدگی به وظایف مادری و شغلی خود نیاز دارند و سلامت جسمی و روانی خود و خانواده‌شان را در خطر می‌بینند. بنابراین به دلیل ناتوانی در گذاشتن زمان مناسب برای خانواده و به‌ویژه فرزندان، اضطراب، نگرانی و احساس گناه فزاینده‌ای را تجربه می‌کنند که این موضوع باعث می‌شود زنان شاغل از نظر سلامت روان در وضعیت نامطلوب‌تری نسبت به زنانی که صرفاً به نقش‌های سنتی همسری و مادری می‌پردازند، قرار گیرند (Razeghi Nasrabad et al, 2019) بعلاوه، احساس گناه مادری برای زنان در جوامع سنتی و جمع‌گرا مانند ایران که به‌دلیل شرایط فرهنگی حاکم، مسئولیت اصلی تربیت و نگهداری از فرزندان بر عهده مادر است و مسئولیت‌های شغلی مضاف بر مسئولیت‌های خانوادگی شده، دوچندان است. بنابراین مادران زمانی که به دلیل حضور در محل کار در کنار فرزندشان حضور ندارند، احساس می‌کنند که عدم حضور آن‌ها منجر به آسیب دیدن فرزند می‌شود و این موضوع احساس گناه زیادی را به‌وجود سبک‌های مقابله‌ای منفی در این زمینه تأخیر در فرزندآوری و وابستگی و اتکاء عاطفی به اطرافیان است (Dehghanizadeh et al., 2020)

با وجود اینکه اضافه شدن مسئولیت‌های شغلی به مسئولیت‌های مادری باعث ایجاد احساس گناه مضاعف در مادران شده است و علی‌رغم فراگیر بودن تجربه احساس گناه در والدین و به ویژه مادران و تأثیری که این موضوع بر والدین و همچنین فرزندانشان می‌گذارد (polat et al., 2022) پژوهش‌های اندکی جهت اندازه گیری و سنجش این موضوع انجام شده است. لذا وجود یک ابزار کارآمد به‌عنوان یک ابزار بالینی و جهت استفاده در پژوهش‌های مرتبط با والدین و خانواده، و همچنین به‌عنوان ابزاری برای ارزیابی جنبه‌ای از سلامت روان و رفاه کارمندان ضروری است (Haslam et al., 2020).

مقیاس‌های مختلفی در داخل و خارج در حیطه ارزیابی احساس گناه والدینی طراحی شده‌اند که اغلب به حوزه خاصی از احساس گناه والدینی می‌پردازند، برای مثال مقیاس احساس گناه در مادران کارمند (Yüce-Selvi & Kantaş, 2019)، مقیاس احساس گناه مادران شاغل دارای کودکانی که در مهد نگهداری می‌شوند (Mann & Thornburg, 1987)، مقیاس احساس گناه کار_خانواده (McElwain, 2008)، مقیاس احساس گناه در مادران دارای فرزند با مشکلات بالینی (Hoseini Taheri et al., 2019)، مقیاس احساس گناه والدینی (Haslam et al., 2020)، در این میان پرسشنامه احساس گناه والدینی (GAPS) برای والدین با فرزندان عادی طراحی شده است و می‌تواند به طور عمومی برای هر دو والد پدر و

مادر مورد استفاده قرار گیرد. در صورتی که اغلب پرسشنامه هایی که در این زمینه طراحی شده‌اند احساس گناه والدینی را در زمینه های خاصی بررسی می‌کنند. تا به امروز پرسشنامه‌ای که در حیطه سنجش احساس گناه والدینی برای عموم والدین بتواند مورد استفاده قرار بگیرد در ایران وجود نداشته است. لذا درین زمینه با خلأ پژوهشی مواجه هستیم که این پژوهش به جهت همین موضوع انجام شده است.

پرسشنامه احساس گناه فرزندپروری (GAPS) که در پژوهش حاضر به بررسی ویژگی‌های روان سنجی آن اقدام می‌شود، برای والدین کودکان رده سنی پیش از نوجوانی (۲ تا ۱۲ سال) توسط Haslam et al. (2020) طراحی شده است. این پرسشنامه را در مورد ۲۹۰ نفر از والدین شاغل دارای فرزند (۲ تا ۱۲ سال) طراحی و اعتباریابی کردند. این مقیاس در ترکیه نیز اعتباریابی شده است که در نتایج بر روی ٤۳۰ نفر از والدین ترکیه‌ای، آلفای کرونباخ α=۰/۸۹۳ گزارش شده است و در نتیجه تحلیل عامل تاییدی، مقادیر شاخص‌های برازش مناسب دارای مقادیر قابل قبولی بودند (polat et al., 2022).

برای ارزیابی روایی همگرا از پرسشنامه تعارض کار_خانواده Carlson et al. (2000) استفاده شده‌است، به این دلیل که احساس گناه والدینی ناشی از تعارض کار و خانواده در مادران شاغل بسیار شایع می‌باشد (Borelli et al., 2017) و این موضوع، علاوه بر خود والدین، بر بهزیستی روانی فرزندان و شیوه‌های فرزندپروری والدین نیز اثرگذار است. بخش مهمی از احساس گناه والدینی به این دلیل است که مادران تصور می‌کنند، زمان و انرژی لازم برای تعامل مناسب با فرزند خود را ندارند و مادران شاغل به دلیل اینکه بخشی از زمان و انرژی‌شان را صرف شغل‌شان می‌کنند، احساس تعارض کار_خانواده و در نتیجه آن احساس گناه والدینی بیشتری را تجربه می‌کنند (Aarntzen et al., 2019). همچنین برای روایی واگرا از پرسشنامه فرزندپروری ذهن‌آگاهانه (Mccaffrey et al., 2017) در این پژوهش استفاده شده است، زیرا احساس گناه والدینی در نتیجه ارزیابی منفی مادر از عملکرد خود ناشی می‌شود و فرزندپروری ذهن‌آگاهانه مستلزم پذیرش احساسات مادرانه و عملکرد مادری خود بدون قضاوت کردن است، در حقیقت ذهن‌آگاهی در مادران، مهارتی است که امکان تمرکز بدون قضاوت بر زمان حال را می‌دهد و در واقع او را از نشخوارهای فکری مربوط به رویدادهای گذشته و نگرانی نسبت به آینده رها می‌سازد (Acet & Oliver, 2024; Torfizadeh et al., 2022).

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا پرسشنامه احساس گناه والدینی از روایی و پایایی مطلوب برای استفاده در جامعه والدین ایرانی برخوردار است یا خیر؟

روش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر به‌منظور اعتباریابی ابزار و اجرای آن به روش توصیفی همبستگی انجام گرفت. حجم نمونه آماری این پژوهش بر اساس قاعده سرانگشتی کلاین ۲۱۸ نفر از مادران شاغل شهر تهران بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. با توجه به نظر (Kline, 2016) نمونه مورد نیاز برای تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار آموس حداقل ۲۰۰ نفر می‌باشد و بر اساس قاعده سرانگشتی به ازای هر گویه ۱۵ نمونه مورد نیاز است و با توجه به اینکه پرسشنامه حاضر ۱۰ گویه داشت این تعداد نمونه تعیین شدند. از این‌رو در این پژوهش ۲۲۰ شرکت‌کننده وارد پژوهش شدند و به سبب اینکه دو نفر جزء داده‌های بی‌تفاوت به حساب آمدند، از تحلیل حذف شدند و در نهایت ۲۱۸ شرکت کننده باقی ماندند. پژوهشگران به مادران توضیح دادند که برای محرمانه ماندن اطلاعات، نیازی به ذکر نام و نام‌خانوادگی نیست و همچنین

به آنها توضیح داده شد که اطلاعات جمعیت‌شناختی و پاسخ به پرسشنامه‌ها فقط جهت کار پژوهشی مورد استفاده قرار میگیرد. میانگین سن مادران ۳۷ سال با انحراف استاندارد ۵/۸ بود و از لحاظ وضعیت تاهل ۲۰۹ نفر متاهل (۹۵درصد)، ۲ نفر ازدواج مجدد کرده بودند (۰/۹ درصد)، ٦ نفر از همسرشان جدا شده بودند (۲/۷ درصد)، و ۱ نفر همسرش فوت شده بود (۰/۵ درصد). همچنین میانگین تعداد فرزندان ۱/۹ با انحراف استاندارد ۰/۵۵ بود. از نظر میزان تحصیلات، از مجموع شرکت کنندگان ۳ نفر دیپلم، ٤ نفر فوق دیپلم، ۷۰ نفر کارشناسی، ۱۰۲ نفر کارشناسی ارشد و ٤۱ نفر دکتری داشتند. در رابطه با علت اصلی کار کردن، ۲۵ نفر علت اصلی را ضرورت اقتصادی، ۱٤۰ نفر ضروررت اقتصادی و تحقق پیشرفت اجتماعی و شغلی و ۵۵ نفر تحقق پیشرفت اجتماعی و شغلی اعلام کردند.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه احساس گناه والدینی(GAPS): پرسشنامه احساس گناه والدینی Haslam et al. (2020) شامل ۱۰ سؤال با مقیاس پاسخگویی لیکرت ۷ درجه‌ای از "*کاملاً مخالفم تا کاملا موافقم*" است که برای والدین کودکان ۲ تا ۱۲ ساله طراحی شده است. گویه‌های این پرسشنامه در جدول ۱ آورده شده است. پژوهش Haslam et al. (2020) نشان داد که این پرسشنامه از پایایی و روایی مطلوب برخوردار است. پایایی سازه به روش ضریب آلفای کرونباخ (α=۰/۸۹) و روایی سازه به روش تحلیل عاملی (CFI=۰/۹٦، RMSEA=۰/۰۵٦، $\chi2$ (35) =65/59, p<0/001) مورد تأیید قرار گرفت. نتایج حاصل از بررسی روایی همگرا با مقیاس تعارض کار_خانواده و خانواده_کار (Haslam et al., 2015) همبستگی مثبت و با مقیاس خودکارآمدی والدینی (Morawska et al., 2014) همبستگی منفی معناداری نشان داد.

جهت ارزیابی روایی صوری، مقیاس احساس گناه والدینی، ابتدا به فارسی ترجمه و بررسی مطابقت معنایی میان نسخه‌های فارسی و انگلیسی توسط تیم پژوهشی انجام شد. سپس نسخه فارسی توسط دو نفر از متخصصان آشنا به زبان انگلیسی ترجمه معکوس و اصلاحات مورد نیاز انجام گرفت. همچنین برای ارزیابی میزان درک شرکت‌کنندگان از محتوا و ساختار مقیاس و ازنظر امکان اجرای عملی آن، مقیاس در یک گروه نمونه تصادفی ۱۰ نفره از جامعه هدف اجرا شد و با جایگزینی واژگانی که از نظر مفهومی راحت‌تر قابل درک بودند، اصلاحات نهایی انجام شد. در نهایت ۱۰ نفر از متخصصین روایی صوری و محتوای ابزار را مورد بررسی قرار دادند.

به منظور بررسی روایی صوری مقیاس احساس گناه والدینی در دو مرحله، از ده مادر شاغلی که در مطالعه اصلی شرکت نکرده بودند، خواسته شد تا در مورد سؤالات به گونه‌ای اظهار نظر کنند که در بخش کیفی ابهام، دشواری و مرتبط بودن آنها را بیان کنند. نظرات اصلاحی آنان در قالب سؤالات اعمال شد. در بخش کمی، از ده مادر شاغل شرکت‌کننده در بخش کیفی خواسته شد که به سؤالات بر اساس تناسب، دشواری، ابهام و ارتباط در محدوده ۵ امتیازی پاسخ دهند. نمره به دست آمده برای گویه‌های مقیاس بیش از ۱/۵ بود که طبق نظر Hatamnejad et al. (2023) این مقدار معیار قابل قبولی برای اعتبار صوری کمی است.

برای بررسی روایی محتوایی مقیاس احساس گناه والدینی، ابتدا بعد کیفی اعتبار محتوا مورد بررسی قرار گرفت به این صورت که از ده نفر از متخصصان حوزه روان‌شناسی خواسته شد تا نظرات خود را در مورد تناسب عبارات و دستور زبان بیان کنند. پس از دریافت بازخورد از متخصصان، اصلاحات لازم در ترجمه موارد انجام شد. در مرحله بعد، روایی محتوای کمی مقیاس احساس گناع والدینی با استفاده از شاخص روایی محتوایی محتوا (CVI) و نسبت روایی محتوایی

(CVR) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج ارزیابی برای ده گویه نشان می‌دهد که مقدار عددی CVR برای همه آیتم‌ها بیشتر از مقدار جدول لاوشه برای ده متخصص است. بنابراین همه موارد برای مقیاس احسس گناه والدینی ضروری هستند و هیچ موردی حذف نشد. همچنین برای ارزیابی CVI از کارشناسان خواسته شد تا ویژگی‌های سادگی، مرتبط بودن و وضوح همه موارد را در یک لیکرت چهار درجه‌ای اظهار نظر کنند. به گفته Polit et al. (2007) ، مقدار قابل قبول CVI برای هر گویه ۰/۷ است و نتایج ارزیابی کارشناسان که تمامی گویه‌ها بزرگتر یا مساوی ۰/۸ بودند، حاکی از قابل قبول بودن تمامی گویه‌های این مقیاس است.

پرسشنامه فرزندپروری ذهن‌آگاهانه (MIPQ): پرسشنامه فرزندپروری ذهن‌آگاهانه (Mccaffrey et al., 2017) شامل ۲۸ گویه در طیف لیکرت ٤ درجه ای از "*به ندرت تا تقریبا همیشه*" است. این مقیاس دو عامل تربیت ذهن‌آگاهانه و حضور داشتن کنار فرزند در همان لحظه را ارزیابی می‌کند. نمونه ای از گویه‌های این مقیاس شامل "آیا فرزندتان را آنگونه که هست، پذیرفتید؟". پژوهش Mccaffrey et al. (2017) نشان داد که این پرسشنامه از پایایی و روایی مطلوب برخوردار است. مقدار آلفای کرونباخ برای عامل‌های حضور در کنار فرزند و تربیت ذهن‌آگاهانه به ترتیب ۰/۸٤ و ۰/۸۲ به دست آمد و نتایج حاصل از بررسی روایی همزمان این پرسشنامه همبستگی مثبت و معنی‌دار 45/. با پرسشنامه اقتدار والدینی (Reitman, 2002) و همچنین همبستگی مثبت و معنی‌دار ۰.٤۸ با مقیاس آگاهی و توجه ذهن‌آگاهانه (Brown & Ryan, 2003) نشان می‌داد و همچنین این مقیاس رابطه منفی معنی‌دار با سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه از پرسشنامه‌ی سبک‌های فرزندپروری (Arnold et al., 1993) داشت که این نتایج نشان می‌دهد این مقیاس از روایی همزمان خوبی برخوردار است. این پرسشنامه در ایران توسط Kamkar Amale & Hosseinchari (2022) اعتباریابی شده است و آلفای کرونباخ آن برای عامل حضور کنار فرزند ۰/۸۲، تربیت ذهن‌آگاهانه ۰/۸۵ و ضریب پایایی کل ۰/۹۰ گزارش شده است.

پرسشنامه تعارض کار_خانواده (WFCS): پرسشنامه تعارض کار_خانواده (Carlson et al., 2000) ۱۸گویه دارد که سه عامل تعارض کار_خانواده و خانواده_کار مبتنی بر زمان، تعارض کار_خانواده و خانواده_کار مبتنی بر فشار و تعارض کار_خانواده و خانواده_کار مبتنی بر رفتار را شناسایی کرده است. سوالات در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از "*کاملا مخالفم تا کاملا موافقم*" است. نمونه ای از گویه‌های این مقیاس شامل "کار من مرا از فعالیت‌های خانوادگی بیشتر از آنچه می‌خواهم دور نگه می‌دارد. " پژوهش Carlson et al. (2000) نشان داد که این مقیاس از پایایی مطلوب برخوردار است، ضرایب پایایی آلفای کرونباخ شش خرده مقیاس تعارض کار- خانواده در سه جهت [مبتنی بر زمان، مبتنی بر فشار و مبتنی بر رفتار] را از ۰/۷۸ تا ۰/۸۷گزارش کرده‌اند. در پژوهش Rajabi et al. (2020) ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۸٦ و در عامل‌های اول تا سوم به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸٤ و ۰/۸۸ به دست آمده است. که نتایج بیانگر پایایی مطلوب برای این مقیاس است. همچنین در بررسی روایی همزمان، از مقیاس های چندبعدی حمایت اجتماعی تصوری (Zimet, 1988) استفاده شد که نتایج نشان می‌داد که پرسشنامه از روایی واگرا مطلوب با مقدار ۰/۷۲- برخوردار است.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر، در بررسی اولیه بهنجار بودن داده‌ها و ارزیابی داده‌های پرت بررسی شد. نتایج تحلیل بهنجار بودن

داده‌ها نشان داد که شاخص کجی داده‌ها بین ۰/۰٤ تا ۱/۳٦۳- و کشیدگی ۰/۱- تا ۲/٦۰۸ داده‌ها در دامنه‌ی قابل قبول۲± و ۳± قرار داشت (Abdollahi,2023) بنابرین داده‌ها از توزیع بهنجار برخوردار بودند. برای ارزیابی داده‌های پرت از شاخص فاصله‌ی ماهالانوبیس استفاده شد که بزرگ‌ترین شاخص فاصله‌ی ماهاالانوبیس در مجموعه‌ی داده‌ها ۱۰٤/۹۱۵ بود که بعد از تقسیم بر تعداد گویه‌ها، عدد ۱/۸۷ به‌دست آمد که از عدد ٤ کمتر است و نشان می‌دهد که داده‌ی پرت در مجموعه‌ی داده‌ها وجود ندارد. جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد گویه‌های مقیاس احساس گناه والدینی را نشان می‌دهد.

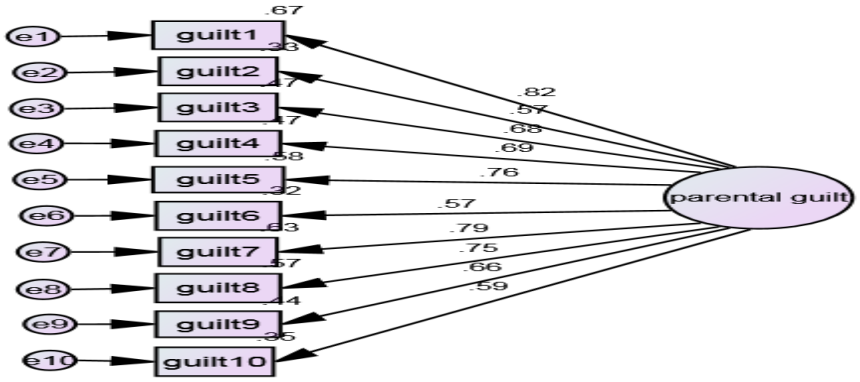
Table 1.
Descriptive measurements of mean and standard deviation of guilt about parenting scale

SD	Mean	Statements
1.77	4.9	۱. من اغلب نگران این موضوع هستم که به اندازه‌ای که باید، مادر خوبی نبوده‌ام.
1.62	5.09	۲. ا گر نیازهای خودم را بر فرزندم مقدم بدانم، احساس بدی پیدا می‌کنم.
1.27	5.85	۳. من باید زمان بیشتری را با فرزندم بگذرانم.
1.57	5.46	٤. زمانی که از فرزندم جدا می‌شوم (هنگام ترک کردن خانه) اگر او ناراحت شود، من احساس گناه می‌کنم.
1.78	4.49	۵. زمانی که فرزندم ناراحت می‌شود اغلب خودم را مقصر می‌دانم.
1.16	5.83	٦. از عملکرد خودم به عنوان یک پدر/مادر، رضایت کامل دارم.
1.85	4.78	۷. من اغلب نگران این هستم که به اندازه کافی به فرزندم عشق و توجه نداشته‌ام.
1.38	5.52	۸. چنانچه انرژی لازم برای تعامل کامل با فرزندم نداشته باشم، احساس گناه می‌کنم.
1.75	4.39	۹. اگر در خانه یا کنار خانواده نباشم احساس بدی پیدا می‌کنم.
1.39	5.61	۱۰. من باید بتوانم تعادل میان کار و خانواده را بهتر مدیریت کنم.

جهت بررسی روایی سازه پرسشنامه‌ی شاخص احساس گناه والدینی از تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار آموس ۱۰ با روش تخمین حداکثر درست‌نمایی استفاده شد. در اولین مرحله به بررسی بارهای عاملی گویه‌ها پرداخته شد .درصورتیکه بارهای عاملی بزرگتر از ۱ ،منفی، یا کمتر از ۰/۵ باشند (Kline, 2016) لازم است حذف شوند. همانطور که در شکل ۱ مشاهده می‌کنید، بار عاملی تمام گویه‌ها مناسب هستند لذا هیچ گویه‌ای حذف نشد. همچنین رابطه بین تمام گویه‌ها با متغیر پنهان در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار بودند. در مرحله بعدی به بررسی شاخص‌های برازش مدل پرداخته شد، شاخص‌های کای‌اسکوئر هنجارشده، ریشه‌ی میانگین مربعات خطای برآورد (RMSE)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، و شاخص برازش افزایشی (IFI) برای برازش مدل مورد استفاده قرار گرفت که مورد تایید (Kline, 2016) است. نتایج دقیق تحلیل در جدول ۲ آورده شده است.

Table 2.
The two-factor pattern fit indices

Index name	Value	Limit
CMIN/DF	2.37	**≤ 5**
Root Mean Squared Error of Approximation(RMSE)	0.07	**≤0/08**
Comparative fit index (CFI)0	0.95	**≥0/90**
The goodness of fit index (GFI)	0.93	**≥0/90**
Incremental Fit Index (IFI)	0.95	**≥0/90**



در مرحله بعد، به جهت بررسی میزان تبیین متغیر پنهان توسط گویه‌های مقیاس از روایی همگرا، به کمک شاخصی به‌نام میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) استفاده شد. درصورتی یک متغیر دارای روایی همگراست که ارزش مقداری AVE بزرگتر از ۰/۵ باشد. که به این معنا است که حداقل پنجاه درصد از واریانس متغیر پنهان توسط گویه‌ها تبیین شده است. (Tabachnick & Fidell, 2007) جهت اندازه‌گیری همسانی درونی گویه‌های متغیر پنهان از قابلیت اعتماد سازه استفاده شد و نقطه‌ی برش برای قابلیت اعتماد سازه ۰/۷ است. نتایج نشان داد که ارزش عددی AVE برابر با ۰/۵ و ارزش عددی CR برابر با ۰/۸ بود که نشان می‌دهد پرسشنامه احساس گناه والدین از روایی همگرا و قابلیت اعتماد سازه برخوردار است، همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس احساس گناه والدینی ۰/۹ به دست آمد که این موضوع نیز پایایی پرسشنامه را تایید می‌کند.

جهت بررسی روایی همزمان پرسشنامه احساس گناه والدینی از پرسشنامه تعارض کار_ خانواده (Carlson et al., 2000) استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان‌دهنده همبستگی معنی‌دار بین مقیاس احساس گناه والدینی و مقیاس تعارض کار_خانواده بود که این موضوع روایی همگرای پرسشنامه را با ضریب همبستگی ۰/٦٨ تایید می‌کند. همچنین برای بررسی روایی واگرای پرسشنامه، از پرسشنامه فرزندپروری ذهن‌آگاهانه (Mccaffrey et al., 2017) استفاده شد که نتایج همبستگی منفی بین این دو مقیاس ضریب همبستگی ۰/۳۱- را نشان می‌دهد که تاییدکننده روایی واگرای پرسشنامه احساس گناه والدینی است. (جدول ۳)

Table 3.

Variables	1	2	3	4	5	6	7	8
1. guilt about parenting	1							
2. time based family interference with work	0.58	1						
3. strain based family interference with work	0.41	0.46	1					
4. behavioral based family interference with work	0.67	0.64	0.41	1				
5. total score family interference with work	0.68	0.84	0.75	0.81	1			
6. mindful discipline	-0.27	-0.31	-0.23	-0.31	-0.34	1		
7. being in the moment with the child	-0.29	-0.31	-0.26	-0.31	-0.34	0.71	1	
8. Mindfulness In Parenting	-0.31	-0.31	-0.27	-0.31	-0.41	0.92	0.93	1

P<0.01

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس احساس گناه والدینی (Haslam et al., 2020) و

اعتباریابی این مقیاس برای مادران ایرانی بود. نتایج پژوهش نشان‌دهنده روایی و پایایی مطلوب این ابزار در جامعه ایرانی بود. پس از ترجمه مقیاس و بررسی روایی محتوایی و صوری مقیاس احساس گناه والدینی، این مقیاس از طریق تحلیل عاملی تاییدی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاکی از این بود که بارهای عاملی گویه‌ها بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۱ در سطح معناداری ۰/۰۰۱ در تمام مسیرها هستند. همچنین این مقیاس از شاخص‌های برازش مناسبی برخوردار بود که بیانگر تایید مدل ترسیم شده است. در بررسی روایی همگرای پرسشنامه مقدار AVE برابر با ۰/۵ به دست آمد که بیانگر قابل قبول بودن آن است. مقدار آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹ و مقدار CR برابر با ۰/۸ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی سازه است. برای ارزیابی روایی همزمان همگرا از مقیاس تعارض کار_خانواده استفاده شد و همبستگی معنی‌دار مثبت بین مقیاس احساس گناه والدینی و هر یک از سه زیرمقیاس تعارض کار_خانواده و همچنین نمره کل مقیاس به دست آمد. در تبیین این یافته‌ها میتوان گفت، امروزه مادران شاغل، زیر فشار نقش‌ها و وظایف شغلی و مادری با وجود زمان کمتری که برای فرزندشان می‌توانند بگذارند، نیازمند تلاش بیشتری برای رسیدن به ایده‌آل‌های مادری هستند و فشارهای ناشی از همزمانی مسئولیت‌های خانوادگی و شغلی، تعارض کار و خانواده را در مادران شاغل بوجود می‌آورد (Sadeghi & Shahabi, 2019) و در نتیجه مادران با افزایش این تعارض، احساس گناه ناشی از نداشتن زمان و انرژی کافی برای تعامل با فرزند را بیشتر تجربه می‌کنند، همچنین در بین زیرمقیاس‌های تعارض کار_خانواده، تعارض کار_خانواده مربوط به زمان بالاترین همبستگی را با مقیاس احساس گناه والدینی داشت که این موضوع نشان می‌دهد هر قدر ساعات کاری مادران بیشتر باشد بالتبع زمان کمتری برای حضور در کنار فرزندان دارند و در نتیجه احساس گناه والدینی بیشتری را تجربه می‌کنند. مادران، هنگامی که با تعارضات بین کار_خانواده مواجه می‌شوند مقادیر بالاتری از احساس گناه را تجربه می‌کنند که این موضوع شاید به این دلیل است که آنها تصور می‌کنند که این تعارض نشان‌دهنده شکست آنها در برقرای تعادل بین کار و خانواده است و باعث احساس اضطراب ناشی از ترس از آسیب دیدن فرزندان درین مسیر است (Borelli et al., 2017). این نتایج تا حدودی همسو با پژوهش Aarntzen et al. (2019) است که بیان می‌کند مادران در جوامعی که نقش اصلی مادر بعنوان مراقب فرزندان و نقش اصلی پدر به‌عنوان نان‌آور خانواده تعریف می‌شود، احساس‌گناه بالاتری را در نتیجه تعارض بین کار و خانواده تجربه می‌کنند، لذا ترجیح می‌دهند زمان کمتری را به کار اختصاص دهند تا بتوانند بیشتر در کنار فرزندان حضور داشته باشند و این مسئله اولویت‌های شغلی مادران را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بعلاوه تعارض کار_خانواده که از فشارهای شغلی ناشی می‌شود، در عملکرد فردی مادران در محیط خانه اثرگذار است، به نحوی که مادران برای ایفای نقش‌های خود، دچار مشکلاتی می‌شوند و این موضوع باعث فشار، خستگی، آشفتگی و اضطراب خودشان و اعضای خانواده خواهد شد (Razeghi Nasrabad,2022)

عامل حضور در کنار فرزند و تربیت فرزند ذهن‌آگاهانه همبستگی منفی با مقیاس احساس گناه والدینی دارد، در تبیین این موضوع می‌توان گفت به نظر می‌رسد مادرانی که توجه کامل و درلحظه برای تعامل با فرزندشان نداشته باشند و همچنین، در شیوه‌های فرزندپروری خود، نگرش باز و پذیرا درباره افکار، رفتار و احساسات فرزندشان نداشته باشند(Lindsay & creswell, 2017)احتمالا به این دلیل که در ارزیابی از خود، کمتر می‌توانند معیارهای ایده‌آل مادری را برآورده کنند، احساس گناه والدینی بیشتری را تجربه می‌کنند (Rotkirch & Janhunen, 2010). فرزندپروری ذهن‌آگاهانه مستلزم آگاهی و توجه کامل در لحظه و پذیرش بی‌قید و شرط فرزند بدون قضاوت کردن او است (Kabat-Zinn & Kabat-Zinn, 1997). این شیوه از فرزندپروری موجب می‌شود که والدین بتوانند عملکرد والدینی خود را بدون

قضاوت کردن، بپذیرند و احساسات خود را در فرایند فرزندپروری تنظیم کنند (Abidin et al, 2024) بنابراین، هرقدر والدین در شیوه‌های فرزندپروری خود ذهن‌آگاهانه تر عمل کنند، کمتر به قضاوت منفی روش فرزندپروری خود روی می‌آورند و در نتیجه احساس گناه والدینی کمتری را تجربه می‌کنند. همچنین این نتایج تا حدودی همسو با پژوهش Sirois et al. (2019) است که نشان می‌دهد خودشفقتی والدین که در نتیجه فرزندپروری ذهن‌آگاهانه ایجاد می‌شود، در کاهش احساس گناه در والدین می‌تواند موثر باشد. همراستا با این نتایج پژوهش Amani et al. (2022) و Mahmoudpour et al. (2021)است که نشان می‌دهد درمان متمرکز بر شفقت به خود که در بردارنده مولفه ذهن‌آگاهی است، احساس گناه و خودانتقادی در مادران را کاهش می‌دهد پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی نیز است، از جمله اینکه نمونه آماری این پژوهش فقط مادران شاغل بودند، لذا نتایج پژوهش قابل تعمیم به پدران نیست. توصیه می‌شود در پژوهش‌های آینده از حجم نمونه بزرگتر و همچنین از نمونه پدران نیز استفاده شود تا روایی و قابلیت اطمینان مقیاس برای پدران نیز مورد ارزیابی قرار بگیرد. پژوهش حاضر، نخستین پژوهش انجام شده در حوزه سنجش احساس گناه والدینی در ایران است و می‌تواند به بسط ادبیات موجود در روانشناسی درین زمینه کمک کرده و به این علت که احساس گناه والدینی می‌تواند بر عملکرد شغلی مادران تاثیر بگذارد، می‌تواند به عنوان ابزاری برای سنجش احساس گناه والدینی به جهت پیشگیری از آثار سو، آن بر مادران در محیط‌های شغلی و خانوادگی، در ادارات و سازمان‌ها مورد استفاده قرار گیرد. همچنین با توجه به روزافزون شدن تعداد مادران شاغل در ایران و در نتیجه احساس گناه ناشی از تعارض‌های ناشی از مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی، میتوان استفاده از این ابزار را با توجه به مناسب بودن ویژگی‌های روانسنجی این مقیاس به منظور تشخیص دقیق‌تر و کارآمدتر به روان‌شناسان و مشاوران پیشنهاد کرد.

مشارکت نویسندگان: طراحی پژوهش و بازبینی نهایی مقاله توسط آزاده طاهری انجام شده است. سایر مراحل شامل گردآوری داده‌ها، تحلیل، نگارش پیش‌نویس اولیه و ویرایش توسط ریحانه رکنی صورت پذیرفته است. همه نویسندگان نسخه نهایی مقاله را مطالعه و تأیید نموده‌اند.

قدردانی: نویسندگان صمیمانه از تمامی افرادی که با تکمیل پرسشنامه، ما را در گردآوری داده‌های این پژوهش یاری نمودند، سپاسگزاری می‌کنند.

تعارض منافع: نویسندگان تصریح می‌کنند که هیچ‌گونه تعارض منافع مالی، شغلی، شخصی یا سازمانی که بتواند بر نتایج یا تفسیر این تحقیق تأثیر بگذارد، در این پژوهش وجود ندارد.

تأمین مالی: نویسندگان تصریح می‌دارند که این پژوهش و فرآیند نگارش مقاله، هیچ‌گونه حمایت مالی، گرنت پژوهشی یا هرگونه منبع مالی دیگری دریافت ننموده است.

بیانیه دسترس‌پذیری داده‌ها: داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، بنا به درخواست معقول و منطقی از نویسنده مسئول، قابل ارائه و دریافت خواهد بود.

بیانیه استفاده از هوش مصنوعی: در تهیه این مقاله، نویسندگان صرفاً در بخش ترجمه از ابزار هوش مصنوعی مولد deepseek بهره گرفته‌اند. تمامی خروجی‌های ترجمه‌شده توسط نویسندگان به‌دقت بررسی، بازبینی و ویرایش گردیده است و مسئولیت کامل صحت، اصالت و محتوای نهایی مقاله بر عهده نویسندگان می‌باشد.

تأییدیه اخلاقی: این پژوهش در گروه آموزشی مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا (س) مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. تمامی مراحل پژوهش با رعایت اصول اخلاقی انجام شده است.

References

Aarntzen, L., Derks, B., van Steenbergen, E., Ryan, M., & van der Lippe, T. (2019). Work-family guilt as a straightjacket: An interview and diary study on consequences of mothers' work-family guilt. *Journal of Vocational Behavior,* 115. https://doi.org/10.1016/j.jvb.2019.103336

Abdollahi, A. (2023). Inferential statistics and SPSS in psychology and educational sciences. Arjmand. [Persian]

Abidin, F. A., Novita, S., Kustimah, K., Hasyyati, B. M., Azoma, M., Darmagita, S. F., Larasati, K. A., & Millati, A. Q. (2024). Mindful Parenting as a Mediator in Parents' Perspective-Taking: Exploring the Roles of Causal Attribution and Self-Compassion. *Psychology research and behavior management*, *17*, 249–258. https://doi.org/10.2147/PRBM.S445490

Acet, P., & Oliver, B. R. (2024). Determinants of mindful parenting: a cross-cultural examination of parent and child reports. *Curr Psychol* 43, 562–574. https://doi.org/10.1007/s12144-023-04327-4

Amani, Z., Kajbaf, M., & Maredpour, A. (2022). Training and development of indigenous compassion therapy package on mental health, psychological capital and lifestyle of working women in Isfahan, *Journal of Psychological Achievements, 29*(1), 117-138. doi: 10.22055/psy.2022.36584.2666 [Persian]

Arnold, D. S., O'Leary, S. G., Wolff, L. S., & Acker, M. M. (1993). The Parenting Scale: A measure of dysfunctional parenting in discipline situations. Psychological Assessment, 5(2), 137 - 144. https://doi.org/10.1037/1040 -3590.5.2.137

Borelli, J. L., Nelson, S. K., River, L. M., Birken, S. A., & Moss-Racusin, C. (2017). Gender differences in work-family guilt in parents of young children. *Sex Roles,* 76, 356-368. https://doi.org/10.1007/s11199-016-0579-0

Brown, K. W., & Ryan, R. M. (2003). The benefits of being present: Mindfulness and its role in psychological wellbeing . *Journal of Personality and Social Psychology,* 84, 822 - 848. https://doi.org/10.1037/0022 -3514.84.4.822

Carlson, D. S., Kacmar, K. M., & Williams, L. J. (2000). Construction and initial validation of a multidimensional measure of work-family conflict. *Journal of Vocational Behavior,* 56, 249-276 .https://doi.org/10.1006/jvbe.1999.1713

Collins, C. (2021). Is maternal guilt a cross-national experience?. *Qualitative Sociology, 44*(1), 1-29. https://doi.org/10.1007/s11133-020-09451-2

Constantinou, G., Varela, S., & Buckby, B. (2021). Reviewing the experiences of maternal guilt – the "Motherhood Myth" influence. *Health Care for Women International*, *42*(4-6), 852–876. https://doi.org/10.1080/07399332.2020.1835917

Dehghanizadeh, H A., Fallah, M H., & Vaziri, S. (2020). Mother Guilt Feeling: A qualitative research of woment's employment in the mother-child relationship. Tolo - e-behdasht, *19*(2), 16-32. [Persian]

Derella, O. J., & Milan, S. (2021). I Felt Like a Terrible Mom: Parenting-Related Cognitive Processes Maintaining Maternal Depression. *J Child Fam Stud* 30, 2427–2439. https://doi.org/10.1007/s10826-021-02053-8

Ebrahimi, E. (2025). A qualitative study of the lived experience of guilt among working mothers. *Behavioral and Clinical Studies in Contemporary Psychology*, *2*(1), 1-11. https://doi.org/10.61838/5465878 [Persian]

Greenbaum, R., Bonner, J., Gray, T., & Mawritz, M. (2020). Moral emotions: A review and research agenda for management scholarship. *Journal of Organizational Behavior, 41*(2), 95-114. https://doi.org/10.1002/job.2367

Haslam, D., Filus, A., & Finch, J. (2020). The Guilt about Parenting Scale (GAPS): Development and initial validation of a self-report measure of parenting guilt, and the relationship between parenting guilt and work and family variables. *Journal of Child and Family Studies*, *29*(3), 880-894. https://doi.org/10.1007/s10826-019-01565-8

Haslam, D., Filus, A., Morawska, A., Sanders, M. R., & Fletcher, R. (2015). The Work–Family Conflict Scale (WAFCS): Development and initial validation of a self-report measure of work–family conflict for use with parents. *Child Psychiatry & Human Development,* 46, 346-357. https://doi.org/10.1007/s10578-014-0476-0

Hatamnejad, M. R., Shirvani, M., Pourhoseingholi, M. A., Balaii, H., Shahrokh, S., Asadzadeh Aghdaei, H., Koolaeian, A., & Cheraghpour, M. (2023). Translation and cross-cultural

adaptation of the Persian version of inflammatory bowel disease-fatigue (IBD-F) self-assessment questionnaire. *PLoS ONE, 18*(7), e0288592. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0288592 [Persian]

Hillier, K. M. (2020). Experiences of maternal guilt and intensive mothering ideologies in graduate student mothers, faculty, and sessional instructors. *Journal of Motherhood Studies*, 5.

Hoppen, T. H., Schlechter, P., Arntz, A., Rameckers, S. A., Ehring, T., & Morina, N. (2022). A brief measure of guilt and shame: validation of the Guilt and Shame Questionnaire (GSQ-8). European *Journal of Psychotraumatology, 13*(2), 2146720. https://doi.org/10.1080/20008066.2022.2146720

Hoseini Taheri, Z., Khosravi, Z., & Farah bijari, A. (2019). Developing and investigating psychometric properties of the Parental Guilt Scale : In families with children with clinical problems. The 1st National Conference of the Future School, Ardabil. https://doi.org/10.1002/job.2367 [Persian]

Kabat-Zinn, M., & Kabat-Zinn, J. (1997). Everyday blessings: the inner work of mindful parenting. New York: Hyperion.

Kamkar Amale, M., & Hosseinchari, M. (2022). Psychometric Properties of Mindfulness In Parenting Questionnaire (MIPQ). *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ), 11*(6), 195-204. URL: http://frooyesh.ir/article-1-3744-en.html [Persian]

Kline, R. B. (2016). Principles and practice of structural equation modeling (4th ed.). Guilford Press.

Lewis, H. B. (1971). Shame and Guilt in Neurosis. New York: International Universities Press.

Lindsay, E. K., & Creswell, J. D. (2017). Mechanisms of mindfulness training: Monitor and Acceptance Theory (MAT). *Clinical Psychology Review*, *51*, 48–59. https://doi.org/10.1016/j.cpr.2016.10.011

Mahmoudpour, A., Dehghanpour, S., Ejadi, S., & Mohamadi, S. (2021). The Effectiveness of Compassion-Focused Therapy on Distress Tolerance and Feeling of Guilt in Mothers of Children with Physical-Motor Disability. *Journal of Counseling Research, 20*(79), 269-289. [Persian]

Mann, M. B., & Thornburg, K. R. (1987). Guilt of working women with infants and toddlers in day care. *Early Child Development and Care, 27*(3), 451-464. https://doi.org/10.1080/0300443870270304

Mccaffrey, S., Reitman, D., & Black, R. (2017). Mindfulness in parenting questionnaire (MIPQ): Development and validation of a measure of mindful parenting. *Mindfulness, 8*(1), 232-246. DOI:10.1007/s12671-016-0596-7

McElwain, A. K. (2008). An examination of the reliability and validity of the Work-Family Guilt Scale (Doctoral dissertation, University of Guelph). https://hdl.handle.net/10214/20933

Mohammadi, A., Mousavi, Y., & Torkaman, F. (2022). An Analysis of Maternal Experience of Women Working in Managerial Positions. *Social Sciences Ferdowsi University of Mashhad, 19*(1), 107-73. DOI: 10.30495/jzvj.2022.30417.3841 [Persian]

Öke Karakaya, P., Sönmez, S., & Aşık, E. (2021). A phenomenological study of nurses' experiences with maternal guilt in Turkey. *Journal of Nursing Management, 29*(8), 2515-2522. https://doi.org/10.1111/jonm.13401

Polat, M., Eryiğit, D., Aydoğdu, B. N., Ekşi, F., & Ekşi, H. (2022). Adapting the Guilt About Parenting Scale (GAPS) to Turkish culture: Validity and reliability study. *Current Psychology,* 1-9. URI:https://hdl.handle.net/11424/288065

Polit, D. F., Beck, C. T., & Owen, S. V. (2007). Is the CVI an acceptable indicator of content validity? Appraisal and recommendations. *Research in Nursing & Health, 30*(4), 459–467. https://doi.org/10.1002/nur.20199

Rajabi G, Makki E, & Aslani K. (2020), Reliability and validity of the Persian version of Work-Family Conflict Scale. *Payesh, 19*(4), 435-444. URL: http://payeshjournal.ir/article-1-1453-en.html [Persian]

Razeghi Nasrabad, H. B. (2022). Sources of conflict between work and family roles and its coping strategies: A case study of employed women in Tehran Municipality. *Woman in Development & Politics, 20*(1), 131-164 doi: 10.22059/jwdp.2021.332494.1008102 [Persian]

Razeghi Nasrabad, H. B., & Hosseini, Z. (2019). The experience of combination of work and family in employed mothers with younger children. *Journal of Applied Sociology, 30*(3), 109-134. [Persian]

Reitman, D., Rhode, P. C., Hupp, S. D., & Altobello, C. (2002). Development and validation of the parental puthority questionnaire – revised. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment, 24*(2), 119 -127 . https://doi.org/10.1023/A:1015344909518

Rotkirch, A., & Janhunen, K. (2010). Maternal guilt. Evolutionary Psychology: *An International Journal of Evolutionary Approaches to Psychology and Behavior, 8*(1), 90–106. https://doi.org/10.1177/147470491000800108

Rúdólfsdóttir, Annadís G., & Auður M. Auðardóttir. (2024). *"I Feel Like I Am Betraying My Child": The Socio-Politics of Maternal Guilt and Shame." Gender, Work & Organization, 31*(6), 2733–2748. https://doi.org/10.1111/gwao.13124.

Sadeghi, R., & Shahabi Z. (2019). The Paradox of Work and Mothering: The Experience of Transition to Motherhood of Employed Women. *Journal of Applied Sociology, 30*(1), 91-104. https://doi.org/10.22108/jas.2018.106988.1197 [Persian]

Schuster, P., Beutel, M. E., Hoyer, J., Leibing, E., Nolting, B., Salzer, S., ... & Leichsenring, F. (2021). The role of shame and guilt in social anxiety disorder. *Journal of Affective Disorders Reports*, 6, 100208. https://doi.org/10.1016/j.jadr.2021.100208

Sheehy, K., Noureen, A., Khaliq, A., Dhingra, K., Husain, N., Pontin, E. E., ... & Taylor, P. J. (2019). An examination of the relationship between shame, guilt and self-harm: A systematic review and meta-analysis. *Clinical Psychology Review,* 73, 101779. https://doi.org/10.1016/j.cpr.2019.101779

Sirois, F. M., Bögels, S., & Emerson, L. M. (2019). Self-compassion improves parental well-being in response to challenging parenting events. *The Journal of Psychology, 153*(3), 327-341. https://doi.org/10.1080/00223980.2018.1523123

Slobodin, O., Cohen, R., Arden, A., & Katz, I. (2020). Mothers' need frustration and controlling parenting: The moderating role of maternal guilt. *Journal of Child and Family Studies*, 29, 1914-1926. https://doi.org/10.1007/s10826-020-01720-6

Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2007). Using multivariate statistics . Allyn & Bacon/Pearson Education

Torfizadeh, N., Soltanizadeh, M., & Etemadifar , M. (2022). The Effectiveness of Mindfulness-Based Stress Reduction on Worry and Quality of Life in Mothers of Children with epilepsy, *Journal of Psychological Achievements, 29*(2), 211-230, doi: 10.22055/psy.2022.38337.2733 [Persian]

Vaish, A., & Grossmann, T. (2022). Caring for Others: The Early Emergence of Sympathy and Guilt. In: Hart, S.L., Bjorklund, D.F. (eds) Evolutionary Perspectives on Infancy. Evolutionary Psychology. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-76000-7_16

Yu, H., Koban, L., Chang, L. J., Wagner, U., Krishnan, A., Vuilleumier, P., ... & Wager, T. D. (2020). A generalizable multivariate brain pattern for interpersonal guilt. *Cerebral Cortex, 30*(6), 3558-3572. https://doi.org/10.1093/cercor/bhz326

Yüce-Selvi, Ü., & Kantaş, Ö. (2019). The psychometric evaluation of the maternal employment guilt scale: a development and validation study. Is, Guc: *The Journal of Industrial Relations & Human Resources, 21*(1). DOI: 10.4026/isguc.543449